

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کمک خارجی چین و منافع این کشور در آسیای مرکزی ۲۰۰۰-۲۰۲۲

امید خزایی^۱

سید سعید میرترابی حسینی^۲

چکیده

چین به‌ویژه از ابتدای قرن جدید تلاش کرد تا با اعلام ابتکارها و برنامه‌های متعدد اقتصادی، امنیتی و سیاسی، به تدریج حضور و نفوذ خود را در منطقه آسیای مرکزی در مقایسه با رقبای دیگر همچون روسیه و ایالات متحده، افزایش دهد. این افزایش حضور بر اساس سنت معمول چین به شکلی تدریجی و چندوجهی صورت پذیرفته است و از این رو می‌توان میان برنامه کمک خارجی این کشور به منطقه و توسعه حضور و نفوذ آن پیوندی مستقیم برقرار کرد. پرسش اصلی این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی و تبیینی این است که چین چگونه از کمک‌های خارجی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ در راستای پیشبرد منافع ملی خود در آسیای مرکزی بهره برده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌گردد که دولت چین از برنامه کمک خارجی خود در این منطقه برای پیشبرد سه هدف عمده خود یعنی پیوند زدن اقتصاد کشورهای منطقه با نیازهای اقتصادی و تجاری خود؛ تقویت امنیت مرزها و مقابله با جدایی‌طلبی اوغورها و؛ گسترش نفوذ و موقعیت خود در کشورهای منطقه بهره گرفته است.

واژگان کلیدی:

چین، کمک خارجی، آسیای مرکزی، منافع ملی، واقع گرایی.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

^۱. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی ایران. omidkhazai888@gmail.com

^۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، جمهوری اسلامی

ایران. saeedmirtorabi@gmail.com

مقدمه

پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و استقلال پنج جمهوری تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و قرقیزستان از آن، این فرصت برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فراهم گردید تا بتوانند حضور خود را گسترش و منافعشان را پی بگیرند و به نوعی به بازتعریف نقش خود در شرایط جدید پیش آمده بپردازند. با کشف ذخایر انرژی در آسیای مرکزی و نیاز گسترده جهانی به منابع انرژی، این منطقه به عنوان دومین دارنده ذخایر انرژی جهان اهمیت بیشتری یافت و قدرت‌های بزرگ به تلاش خود برای تقویت حضور در منطقه افزودند. این گونه بود که پس از این تحولات، روسیه، ایالات متحده و چین، حضور پررنگ‌تری در منطقه آسیای مرکزی پیدا کردند.

امروز چین با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف سهم بزرگ‌تر از این حضور را بر عهده گرفته است. چین امروز مهم‌ترین شریک اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی است و حدود ۲۲ درصد از صادرات، ۳۸ درصد از واردات و ۲۱ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورهای این منطقه را به خود اختصاص داده است (Legieć, 2020: 1).

از منظر چین آسیای مرکزی آکنده از فرصت‌ها و تهدیدهای بی‌شمار به حساب می‌آید و تنها با حضور پررنگ خود امکان جهت‌دادن به تحولات پیش رو در این منطقه را می‌تواند داشته باشد. از سوی دیگر کشورهای این منطقه پس از دستیابی به استقلال، برای تحکیم موقعیت خود به‌عنوان یک موجودیت دارای حاکمیت سیاسی و استقلال اقتصادی، تلاش کردند با قدرت‌های خارج از منطقه که انگیزه و توانمندی لازم برای حضور در آسیای مرکزی را داشته باشند، وارد گفتگو شوند و یکن به‌عنوان یک قدرت در حال ظهور از مهم‌ترین گزینه‌های مدنظر رهبران کشورهای آسیای مرکزی است و زمامداران چین با معتنم شمردن فرصت تصمیم گرفتند با احتیاط و به شکلی غیرمستقیم در این منطقه حضور یابند. یکی از راهبردهایی که چینی‌ها برای این منظور در پیش گرفتند، بهره‌گیری از ابزار کمک خارجی است که از همان اوایل استقلال و ابتدا در قالب کمک برای واردات کالاهای ضروری از چین به این کشورها اعطا گردید. اما پس از سال ۲۰۰۰ افزایش چشمگیری در جریان کمک‌های چین به این منطقه ثبت شده است.

کمک‌های چین دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی از جمله عدم مداخله در امور داخلی دریافت‌کنندگان کمک است که این امر منجر به جذابیت بیشتر برای دریافت‌کنندگان کمک از چین نسبت به هم‌تایان غربی شده است؛ رویکردی که برای حکومت‌های آسیای مرکزی

جذابیت ویژه‌ای داشت. در همین راستا، پژوهش حاضر با روش توصیفی و تبیینی به دنبال پاسخ به این سؤال است که چین چگونه از کمک‌های خارجی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ در راستای پیشبرد منافع خود در آسیای مرکزی بهره برده است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح می‌گردد که دولت چین برنامه کمک خارجی خود در حوزه آسیای مرکزی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲ را به عنوان ابزار سیاست خارجی برای تحقق اهداف اقتصادی (پیوند زدن اقتصاد کشورهای منطقه با نیازهای اقتصادی و تجاری خود)، اهداف امنیتی (شکل دادن به نظم امنیتی مطلوب خود و مقابله با جدایی‌طلبی اویغورها) و اهداف سیاسی (گسترش نفوذ و موقعیت خود در کشورهای منطقه) به کار گرفته است.

مقاله برای آزمون فرضیه ابتدا به طور مختصر ادبیات تحقیق را بررسی می‌کند و سپس به تدارک چارچوب نظری برای تحلیل یافته‌ها، بر مبنای رویکرد واقع‌گرایانه در تبیین کمک خارجی می‌پردازد. در ادامه پس از اشاره به ماهیت و ویژگی‌های کمک خارجی چین، فرضیه مطرح شده درباره هم‌راستایی برنامه کمک خارجی چین به آسیای مرکزی با منافع ملی پکن در سه حوزه امنیتی، اقتصادی و سیاسی به‌عنوان اهداف اهداکننده براساس نظریه واقع‌گرایی کمک خارجی، با طرح شواهد و داده‌های مرتبط مورد آزمون قرار می‌گیرد.

ادبیات پژوهش. ادبیاتی که در ارتباط مستقیم و کاملاً منطبق با موضوع این پژوهش باشد، در متون فارسی یافت نشده است. به‌طور کلی در متون فارسی اعم از مقاله، کتاب و پایان‌نامه‌ها، موضوعی مثل کمک‌های خارجی، بسیار اندک مورد توجه و بحث و بررسی بوده است. تنها سه مقاله علمی درباره کمک خارجی چین تا زمان ارائه این مقاله به چاپ رسیده که در ذیل مشخصاً به آنها اشاره می‌گردد. مابقی مباحث در متون فارسی، عمدتاً به بخش‌هایی از کتاب‌های ترجمه شده‌ای اختصاص دارد که در حوزه مباحث اقتصاد سیاسی بین‌الملل به رشته تحریر درآمده‌اند مانند، کتاب اقتصاد سیاسی جهانی کوهن (۱۳۹۷). با این حال در منابع انگلیسی، با عنایت به حساسیتی که خیزش قدرت چین در عرصه بین‌المللی برانگیخته، به موضوع کمک خارجی این کشور نیز توجه شده است و در این بخش نیز سعی شده است ادبیاتی که مستقیماً با موضوع پژوهش ارتباط دارد مورد بررسی قرار گیرد.

مقاله «تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا» (میرترابی و ساری اصلانی، ۱۳۹۹)، به بررسی کمک‌های خارجی چین در سال‌های نخست قرن جدید و ارائه آن به طیف وسیعی از کشورهای آفریقایی پرداخته و پیامدهای این اقدام، انگیزه‌ها و علل آن را تبیین کرده است. ایده مقاله این است که اوج گیری کمک خارجی

چین به کشورهای آفریقایی ناشی از نیاز دوسویه کمک‌دهنده و کمک‌گیرنده به این پدیده بوده و البته انگیزه‌های کمک‌دهنده سهم بیشتری در این تحول داشته است.

مقاله «چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی کمک خارجی» (میرترابی، ۱۳۹۹)، به حضور پررنگ چین در ارائه کمک‌های خارجی و متعاقب آن ایجاد توجهات ویژه بین‌المللی و آکادمیک به آن اشاره دارد و در ادامه به تاثیرگذاری این حضور بر جایگاه و الگوی ایالات متحده در ارائه کمک خارجی پرداخته است. نویسنده حضور پررنگ‌تر چین در عرصه کمک خارجی را عاملی برای ایجاد و افزایش رقابت بین چین و ایالات‌متحده در این عرصه می‌داند.

مقاله «کمک خارجی چین و خیزش قدرت اقتصادی آن» (میرترابی و همکاران، ۱۴۰۲)، به استفاده ابزاری چین از کمک خارجی برای پیگیری اهداف ملی خود در سطح روابط دو و چند جانبه و برای دنبال کردن اهداف اقتصادی مرتبط با نظم بین‌المللی پرداخته است و ادعا می‌کند که چین به گونه‌ای هدفمند، از کمک خارجی برای زمینه‌سازی ظهور قدرت خود در عرصه نظم اقتصادی بین‌المللی در دو دهه گذشته بهره گرفته است.

در منابع فارسی اثری درباره کمک خارجی چین به آسیای مرکزی منتشر نشده است. در منابع لاتین آثاری در این خصوص وجود دارد. از جمله بوسیوت در مقاله‌ای با عنوان «کمک‌های توسعه اتحادیه اروپا و چین به آسیای مرکزی؛ کمک اندک در برابر کمک مناقشه‌برانگیز»^۱ (Bossuyt, 2019)، این ایده را مطرح کرده است که کمک‌های چین بسیار بزرگ‌تر از کمک‌های اروپا به این منطقه است. ضمن اینکه عدم طرح پیش شرط سیاسی در کمک‌های چین، پذیرش کمک‌های این کشور را برای کشورهای آسیای مرکزی جذاب‌تر نموده است؛ اما این امکان هست که پکن از کمک‌های خود برای پیگیری اهداف غیردموکراتیک در منطقه بهره‌برداری نماید. کاسنوا نیز در مقاله‌ای با عنوان «چگونه کمک‌های خارجی چین پیوندهای اجتماعی را با نخبگان حاکم آسیای مرکزی تقویت می‌کند؟»^۲ (Kassenova, 2020)، به این موضوع پرداخته است که کمک‌های چین به نخبگان حاکم در این کشورها کمک می‌کند که تا نقایص و کمبودهای حکومت خود را کاهش داده و به نوعی اعتبار در بین مردم خود دست یابند و از سوی دیگر چین فرصت‌هایی را برای این نخبگان در زمینه‌های مختلف به‌ویژه آموزش و دستیابی به منابع مالی فراهم می‌نماید و همین امر باعث ایجاد پیوند اجتماعی این نخبگان با چین می‌گردد که در نهایت منجر به همراهی با چین در موضوعات مختلف خواهد شد.

^۱. The EU's and China's development assistance towards Central Asia: low versus contested impact

^۲. How China's Foreign Aid Foster Social Bonds with Central Asian Ruling Elites?

یاکوباشویلی در مقاله‌ای با عنوان «طرح مارشال چین برای آسیای مرکزی؟»^۱ ضمن اشاره به گستردگی حجم این کمک‌ها، به مقایسه کمک‌های چین به آسیای مرکزی با طرح مارشال پرداخته و با توجه به تعهدی که چین برای کمک به این کشورها ارائه نموده اذعان می‌دارد که این کمک‌ها توانسته‌اند نقش روسیه را در این منطقه مختل نمایند و در نهایت به این امر توجه می‌کند که چین در این منطقه صرفاً به دنبال اهداف اقتصادی است و این جنبه تفاوت آن با طرح مارشال است که به دنبال اهداف سیاسی بود و این کمک‌ها را برای همه حتی روسیه و اروپا مفید می‌داند (Yakobashvili, 2023). بررسی مختصر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد در آثار موجود، پیوند میان منافع ملی کمک دهنده و برنامه کمک خارجی آن مورد توجه قرار گرفته است. اما در عین حال، رویکردی که مقاله در کاوش این پیوندها در برنامه کمک خارجی چین به آسیای مرکزی مطرح کرده است، بدیع است.

چارچوب نظری: کمک خارجی و نظریه رئالیسم. واقع‌گرایی لنز مفهومی غالب برای درک رژیم کمک‌های خارجی است. در گذشته مطالعات عمدتاً بر این موضوع متمرکز بوده‌اند که چگونه کمک‌های خارجی ایالات متحده ابزاری بود که عمدتاً توسط منافع امنیتی با انگیزه رقابت شرق و غرب هدایت می‌شد. در تحلیل‌های واقع‌گرایانه، روابط بین‌الملل در حالت طبیعی هابزی قرار دارد که در آن امنیت ملی و صیانت از خود اصلی‌ترین اهداف دولت‌ها هستند. اساساً این فرض مهم واقع‌گرایان است که آنارشی به طور کامل اهدافی را که دولت‌ها برای تعقیب انتخاب می‌کنند تعیین می‌کند. در نتیجه، واقع‌گرایان بر تعیین‌کننده‌های سیستمی و ساختاری تأکید می‌کنند و مکرراً از این فرمول که «منافع بر حسب قدرت تعریف می‌شود» استفاده می‌نمایند. در واقع، قدرت به‌عنوان هدف بلافصل سیاست بین‌الملل تلقی می‌شود و با ایده کنترل اعمال دیگران از طریق نفوذ مرتبط است (Morgenthau, 1950).

بر همین اساس از دید واقع‌گرایان، کمک‌های خارجی براساس الگوهای قدرت ساختاری در نظام بین‌الملل اداره می‌شود و کمک مانند دیپلماسی، تبلیغات، یا اقدام نظامی ابزاری برای حکومت‌داری است. این امر به‌منظور ارتقای روابط دیپلماتیک با کشورهای دریافت‌کننده، تقویت ثبات در کشورهای دارای اهمیت استراتژیک، گسترش بازارهای صادراتی و تأمین واردات استراتژیک، افزایش شهرت و کسب پرستیژ در مجامع بین‌المللی ارائه می‌گردد. همچنین می‌تواند توجیه اخلاقی برای تخصیص منابع توسط اهداکننده فراهم کند (Malacalza, 2019: 12).

^۱. A Chinese Marshall Plan for Central Asia?

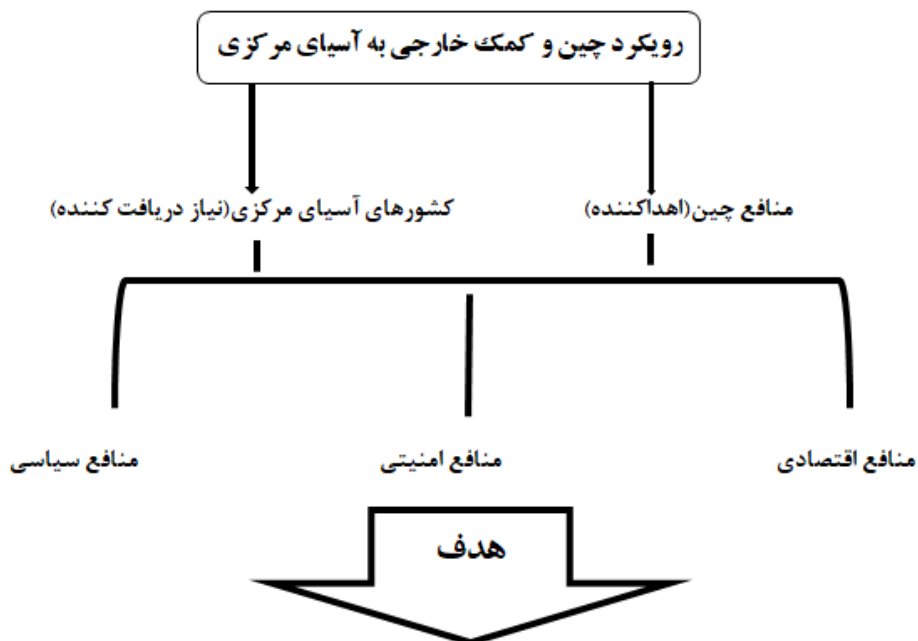
هانس مورگنتا بنیان‌گذار واقع‌گرایی کلاسیک این دیدگاه را بیان می‌کند که هنگامی که تأمین منافع در خارج از کشور با ابزار نظامی یا روش‌های سنتی دیپلماسی دشوار باشد، کمک‌های خارجی به مناسب‌ترین ابزار و سلاح برای دستیابی به منافع در این شرایط تبدیل می‌شوند. او ادعا می‌کند که «عمده آنچه را که امروزه به نام کمک‌های خارجی نامیده می‌شود، ماهیت رشوه دارد» و پس از جنگ جهانی دوم، این رشوه دادن در قالب کمک‌های خارجی به‌عنوان حمایت از توسعه اقتصادی گیرنده کمک توجیه شده است (Morgenthau, 1962: 302). جورج لیسکا یکی دیگر از واقع‌گرایان کلاسیک است که معتقد است کمک‌های خارجی ابزار قدرت سیاسی برای پیگیری منافع ملی است. او در تعریف کمک به اصل اساسی واقع‌گرایی سیاسی، یعنی، مبارزه مستمر برای قدرت به‌عنوان جوهر روابط بین‌الملل استناد می‌کند و اهدای کمک را ابزاری برای دستیابی به قدرت می‌داند (Liska, 1960: 14).

بر همین مبنا واقع‌گرایان با بررسی تجربی تاریخچه کمک به این نتیجه می‌رسند که کمک‌ها هیچ‌گونه اثر مثبتی بر دریافت‌کنندگان نداشته‌اند چرا که از ابتدا و همواره منافع اهداکننده مدنظر بوده است. آنها این ایده را با بررسی کمک‌های مختلف به‌ویژه اهداکنندگانی چون آمریکا، فرانسه و ژاپن مورد تأکید قرار داده‌اند. از نظر آن‌ها آمریکا از کمک برای مقابله با کمونیسم و جذب کشورهای نیازمند کمک به دامنه نفوذ خود بهره برده است؛ فرانسه در راستای افزایش و نفوذ فرهنگ و زبان خود و اعطای کمک به کشورهای فرانسوی‌زبان که مستعمرات سابق فرانسه نیز بوده‌اند، از ابزار کمک استفاده کرده است و ژاپن نیز کمک را به ابزار اقتصاد نئومرکانتیلیستی خود برای دستیابی به منافع اقتصادی تبدیل کرده است (Malacalza, 2019: 13).

این ایده که کمک خارجی، دستکم یکی از ابزارهای عمده در خدمت اهداف سیاست خارجی کشورهای کمک‌دهنده است، مورد تأیید عموم صاحب‌نظران مسائل اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۸۳؛ بالام و وست، ۱۳۹۷؛ کوهن، ۱۳۹۲، Kilby, 2018). کمک‌های خارجی چین هم بحث‌های مشابهی را در مورد انگیزه‌های آن برانگیخته است که از جاه‌طلبی‌های استراتژیک گرفته تا منافع اقتصادی و سیاسی و ایجاد قدرت نرم را شامل می‌شود. به‌عنوان مثال، دیوید لمپتون آنچه را که به نظر او سه چهره قدرت چین است: یعنی قدرت، پول و ذهن را تحلیل کرده است. او استدلال کرده که قدرت اقتصادی چین از جمله ارائه کمک توسعه و کمک‌های بشردوستانه، دارای سه هدف؛ نگهداری رژیم در قدرت، ارتقای رفاه انسانی در داخل و آوردن چین به جایگاه بین‌المللی است که مدت‌هاست به دنبال آن بوده است (Lampton, 2007: 115).

بر همین مبنا در خصوص کمک‌های چین می‌توان این نظر را مطرح کرد که هدف چین از اهدای کمک به کشورهای آسیای مرکزی با رویکرد واقع‌گرا همخوانی دارد؛ چراکه هدف نهایی چین از کمک بر مبنای نظریه واقع‌گرایی دستیابی به اهداف اقتصادی، امنیتی و سیاسی این کشور است هرچند چین هیچ‌کدام از اهدافی را که در سیاست کمک خود پی می‌گیرد، اعلام ننموده است. اما، با بررسی تجربی کمک‌های این کشور، به‌وضوح ترجیح منافع چین بر اهداف اعلامی و نیاز دریافت‌کنندگان کمک از چین مشهود است. می‌توان رویکرد چین به کمک خارجی در آسیای مرکزی را بر اساس نظریات واقع‌گرایان بر اساس مدل زیر نشان داد.

شکل ۱. مدل استخراجی کمک چین به آسیای مرکزی



شکل دادن به نظم امنیتی مطلوب، گسترش نفوذ و موقعیت و تأمین نیازهای اقتصادی و تجاری

۱. ابعاد و آثار کمک خارجی چین به آسیای مرکزی

پیش از آنکه به میزان و نوع کمک‌های چین به کشورهای آسیای مرکزی پرداخته شود یادآوری و ذکر این موضوع اهمیت دارد که بین کمک، تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی چین پیوند بسیار محکمی برقرار است به نحوی که جداکردن این سه از هم بسیار دشوار است و چین در بسیاری از موارد کمک‌های خود را در قالب سرمایه‌گذاری خارجی انجام می‌دهد که این امر به‌ویژه در حوزه ارتباطات و زیرساخت‌ها و به‌صورت ویژه‌تر در ابتکار کمربند و راه مشهود است.

اگرچه هیچ گزارش رسمی یا سوابق دقیقی از کمک چین به آسیای مرکزی در دسترس نیست که این ابهام عامدانه از سوی چین انجام می‌شود، اما گزارش‌های متعدد در رسانه‌ها، اغلب پروژه‌های چند میلیارد دلاری را نشان می‌دهد که مشارکت چین در منطقه در سال‌های اخیر به طور تصاعدی افزایش یافته است. با این حال، فقدان سوابق رسمی دقیق از کمک‌های آن، ارائه برآورد دقیق را دشوار می‌کند. باید توجه داشت که در رژیم بین‌المللی مربوط به کمک خارجی، تعریف‌های مشخصی درباره این پدیده ارائه شده است. برای مثال، کمیته رسمی توسعه وابسته به سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، عناصر مشخصی را در این باره مدنظر قرار داده است. با این حال، تنها بخش کوچکی از فعالیت‌های توسعه بین‌المللی چین با تعریف این کمیته، مطابقت دارد؛ چراکه بیشتر کمک‌های ارائه شده توسط چین شامل وام‌های امتیازی با بهره کمتر از نرخ‌های بازار است و سرمایه‌گذاری‌های حمایت شده یا یارانه‌ای توسط دولت در زیرساخت‌ها و منابع طبیعی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین کمک چین تمایز بین وام‌های توسعه و سرمایه‌گذاری خارجی را در عمل از بین برده است (Bossuyt, 2019: 9) و این یکی از ابهاماتی است که در بحث از کمک خارجی چین همواره وجود داشته و از این نظر، برنامه کمک خارجی این کشور در آسیای مرکزی را نیز در بر می‌گیرد.

چین از اوایل دهه ۱۹۹۰ کمک به همسایگان آسیای مرکزی خود را آغاز کرد. این کمک‌ها بیشتر مربوط به وام‌های کوچک و کمک‌های بلاعوض بود که به دولت‌های تازه استقلال یافته برای خرید کالاهای مصرفی چینی اختصاص داده می‌شد (Wacker, 2011: 83). کمک چین به منطقه به آرامی در نیمه اول دهه ۲۰۰۰ شروع به گسترش کرد و به شکل سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی و تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی ظاهر شد و سپس به سرعت افزایش یافت (Wolf et. al., 2013). در اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در تاشکند در سال ۲۰۰۴، هو جینتاو، رئیس‌جمهور سابق چین، بسته وام توسعه

۹۰۰ میلیون دلاری را به کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای آسیای مرکزی اعلام کرد. در سال ۲۰۰۹، چین یک بسته وام ۱۰ میلیارد دلاری به قزاقستان ارائه کرد (Peyrouse et. al., 2012, 12-14). و در سال ۲۰۱۳، اعلام برنامه‌های چین برای کمربند اقتصادی جاده ابریشم توسط شی جین پینگ، رئیس جمهور چین، طی یک تور ۱۰ روزه در آسیای مرکزی، با حدود ۴۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و قراردادهای وام همراه بود که بیشتر مربوط به بخش‌های انرژی، تجارت و زیرساخت می‌شد (Yakobashvili, 2013). شی اعلام کرد که در دهه آینده چین ۳۰ هزار بورسیه تحصیلی به اعضای سازمان همکاری شانگهای خواهد داد و میزبان ۱۰ هزار معلم و دانش‌آموز از مؤسسه کنفوسیوس در چین برای برنامه‌های تحصیل در خارج از کشور خواهد بود (Jinping, 2013).

همچنین کمک‌های چین به این کشورها شامل اقلامی چون اتوبوس، تراکتور، تجهیزات نظامی، وسایل نقلیه پلیس، ساخت بیمارستان‌ها، مدارس و ساختمان‌های دولتی است. سازمان‌های دولتی چین همچنین از بورسیه‌های تحصیلی برای دانشجویان آسیای مرکزی و برنامه‌های آموزشی برای کارمندان دولتی، کمک به افسران ارتش آسیای مرکزی در جهت تجهیزات و ساخت مسکن حمایت می‌کنند. این کمک‌ها پیوندهای دوجانبه محکمی بین نیروهای مسلح، مرزبانان، و پلیس کشورهای آسیای مرکزی و هم‌تایان چینی آن‌ها (ارتش آزادی‌بخش خلق، پلیس مسلح مردمی شبه‌نظامی، نیروهای پلیس و وزارت امنیت عمومی چین) ایجاد کرد. برای نمونه یک هیئت نظامی چینی به ریاست فرمانده منطقه نظامی لانژ و در شمال غربی چین از تاجیکستان دیدن کرد و کمک ۵ میلیون یوآنی را تقدیم کرد. تا سال ۲۰۰۴، مجموع کمک‌های مالی چین به ۲۰ میلیون دلار رسید (Kassevona, 2022: 9-32). افسران نظامی تاجیک و مرزبانان برای آموزش به چین رفتند و در اکتبر ۲۰۲۱، مقامات تاجیکستان اعلام کردند که چین برای ساخت یک پاسگاه برای یک واحد نیروهای ویژه پلیس تاجیکستان، نیروهای موسوم به واحد متحرک با هدف ویژه^۱ بودجه مالی تأمین خواهد کرد. وزارت امنیت عمومی چین قرار بود ۹.۴ میلیون دلار برای این تاسیسات قبل از تحویل آن به کنترل تاجیکستان هزینه کند (Aid Data's, 2021). چنین اقداماتی جنبه مهمی از سیاست خارجی چین در همسایگی خود و سایر نقاط جهان است. آن‌ها با تقویت پیوندهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح مختلف (دولت به دولت، رهبر به رهبر، و مردم به مردم) به ایجاد روابط کمک می‌کنند.

^۱. OMON

در سال‌های اخیر و با ابتکار کمربند و راه، چین به بزرگ‌ترین اهداکننده در منطقه تبدیل شده است. کمک‌های آن امروزه عمدتاً به ساخت و ارتقای زیرساخت‌ها به‌ویژه زیرساخت‌های حمل‌ونقل (جاده‌ها، تونل‌ها، پل‌ها و راه‌آهن، به‌ویژه در قرقیزستان و تاجیکستان) و زیرساخت‌های استخراج می‌رود. به‌عنوان مثال، در قرقیزستان، وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمده چینی اخیراً به ساخت یا نوسازی شبکه‌های برق در جنوب قرقیزستان، خطوط انتقال برق در بخش شمالی قرقیزستان، کریدور جاده‌ای و نیروگاه آبی اختصاص یافت. در قرقیزستان و تاجیکستان، چین برای ساخت مدارس و بیمارستان‌ها کمک می‌کند. همچنین در ازبکستان، چین به یک کمک‌کننده بزرگ در بخش بهداشت و آموزش تبدیل شده است. در سراسر کشور، مدارس و بیمارستان‌ها از کمک‌های بلاعوض چینی که برای بهبود و ارتقای تجهیزات، فناوری و لجستیک اختصاص داده شده است، بهره می‌برند. از آنجایی که تاجیکستان و قرقیزستان فقیرترین و کم‌ثبات‌ترین کشورهای منطقه هستند با فقر و بی‌ثباتی که از نظر چین به هم مرتبط هستند، بیشترین سهم از کمک‌های چین به منطقه را دریافت می‌کنند. به نوبه خود، این امر وابستگی آنها به کمک‌های چین را بیشتر کرده است (Bossuyt, 2019:10).

جالب توجه است که چین از زمان راه‌اندازی ابتکار کمربند و راه، بسیاری از پروژه‌های در حال انجام و تکمیل شده مرتبط با زیرساخت در آسیای مرکزی را زیر چتر آن قرار داده است. تمرکز بر زیرساخت‌ها قرار است با در دست گرفتن کمربند اقتصادی جاده ابریشم بیشتر شود. از شش کریدوری که کمربند اقتصادی جاده ابریشم را تشکیل می‌دهند، دو کریدور از آسیای مرکزی عبور می‌کنند: پل زمینی جدید اوراسیا و کریدور چین-آسیای مرکزی-آسیای غربی. مرکز این کریدورها ایجاد راه‌آهن است. تاکنون سه خط راه‌آهن در منطقه تحت این ابتکار ایجاد شده است: بندر خشک خورگس در قزاقستان که قزاقستان را به چین متصل می‌کند، گذرگاه اوژن - برکت - گرگان (قزاقستان، ترکمنستان و ایران) و پاپ - آنگرن در ازبکستان (Min, 2017: 270).

بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۸، آسیا تقریباً ۳۷ درصد از کل کمک‌های چین را به خود اختصاص داده است و آفریقا نزدیک به ۴۵ درصد دریافت کرده است (State Council, 2021). سه کشور از پنج کشور آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) در میان بنیانگذاران سازمان همکاری شانگهای هستند. هر پنج کشور منطقه در ابتکار کمربند و راه حضور دارند و در پروژه توسعه و ساخت و ساز شاخص زیرساخت چین، از کشورهای

مشتاق محسوب می‌شوند پس جای تعجب نیست که آن‌ها در میان دریافت کنندگان اولیه کمک از چین هستند. به عنوان مثال، قرقیزستان در حال حاضر بیش از چهار میلیارد دلار بدهی خارجی دارد که ۴۰ درصد آن به اگزیم بانک چین است و این میزان برای تاجیکستان ۶۰ درصد است (Bossuyt, 2019: 18).

آخرین بسته کمک منطقه‌ای که شی اعلام کرد در یک نشست مجازی برای بزرگداشت سی‌امین سالگرد روابط دوجانبه بین چین و کشورهای آسیای مرکزی در اواخر ژانویه ۲۰۲۲ بود که طی آن چین کمک و مزایای بیشتری ارائه کرد. رئیس‌جمهور چین در سخنان خود با عنوان «دست به دست هم دادن برای یک آینده مشترک» وعده ۵۰ میلیون دوز بیشتر از واکسن‌های تولید چین، ۱۲۰۰ بورسیه دولتی، کمک مالی ۵۰۰ میلیون دلاری برای حمایت از برنامه‌های معیشتی، و ۵۰۰۰ فرصت سمینار و کارگاهی به کشورهای آسیای مرکزی برای تربیت متخصصانی در زمینه بهداشت، کاهش فقر برای توسعه کشاورزی، اتصال، فناوری اطلاعات و سایر زمینه‌ها را مطرح کرد (Jinping, 2022).

سیاست کمک و سرمایه‌گذاری چین در آسیای مرکزی که در پیوند با هم هستند سیستمی در مقیاس بزرگ و بلندمدت است و با اهداف اقتصادی و استراتژیک هدایت می‌شود. اکثریت قریب به اتفاق سرمایه‌گذاری‌های چینی به شکل وام با شرایط و ضوابط خاص بازده است. وام مستقیم اصلی‌ترین ابزار سرمایه‌گذاری چین در کشورهای کم درآمد است و به دنبال آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در صنایع تولیدکننده کالا، حمل‌ونقل و انرژی قرار دارد. این الگو در اقتصادهای آسیای مرکزی، به‌ویژه در جمهوری‌های کوچک‌تر و از نظر اقتصادی آسیب‌پذیرتر، قرقیزستان و تاجیکستان مشهود است. اکثر کشورهای منطقه از نظر کشورهای غربی و سازمان‌های بین‌المللی وام‌گیرندگان غیر قابل اعتمادی هستند؛ بنابراین مایل به گرفتن وام از چین هستند و در حال حاضر به شدت به آنها وابسته هستند. وام‌های چینی تا سال ۲۰۰۸ سهم ناچیزی از بدهی‌های این کشورها را تشکیل می‌دادند، اما از آن زمان وضعیت به طور چشمگیری تغییر کرده است (Jaborov, 2018).

قرقیزستان یکی از پنج کشور اول با بالاترین سطح بدهی خارجی به چین است. سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز در این رده‌بندی حضور دارند. تاجیکستان در رتبه ۲۰ و ترکمنستان در رتبه ۲۳ قرار دارد. ازبکستان همچنین در فهرست ۵۰ دریافت‌کننده برتر قرار دارد و علیرغم عدم تمایل کامل به روی سرمایه‌گذاری چینی، در جایگاه ۴۰ قرار گرفته است (Wani, 2020:12).

پکن با استفاده از کمک، عنایات و تشریفات در طول چندین دهه، شالوده محکمی از روابط با کشورهای آسیای مرکزی و نخبگان حاکم آن‌ها و همچنین درک محکمی از برنامه‌های حکومتی آن‌ها ایجاد کرده است و این امر را در راستای اهداف اقتصادی، امنیتی و سیاسی خود بکار می‌گیرد.

۲. کمک خارجی و منافع ملی چین در آسیای مرکزی

بر اساس نظریه واقع‌گرایی کمک خارجی و مدل ارائه شده در چارچوب نظری که بر منافع اهداکننده کمک در حوزه‌های مختلف تأکید شده است، چین کمک خارجی خود به کشورهای منطقه را در راستای پیگیری منافع ملی خود در سه حوزه اقتصادی، سیاسی و امنیتی ارائه می‌کند. در این قسمت، چگونگی پیوند این کمک‌ها با منافع چین در این سه عرصه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

منافع اقتصادی. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چین تلاش کرده است تا روابط خود را با پنج کشور آسیای مرکزی ایجاد و تقویت کند. در حالی که در ابتدا تمرکز اصلی فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک چین حل و فصل میراث شوروی از مرزهای مورد مناقشه بود، روابط آن با آسیای مرکزی بعداً منعکس‌کننده تمایل فزاینده برای حفاظت از منافع اقتصادی، امنیتی و سیاسی گسترده‌تر در منطقه شد.

امروزه شبکه قابل توجهی از جاده‌ها، راه‌آهن‌ها، پروازهای هوایی، ارتباطات و خطوط لوله نفت و گاز که همگی بخشی از کمک خارجی چین در جهت منافع اقتصادی خود محسوب می‌گردند، چین را به آسیای مرکزی متصل می‌کند. چین برجسته‌ترین بازیگر اقتصادی و منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه است. ارائه وام‌های کم‌بهره، تأمین مالی عظیم و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در انرژی، استخراج منابع طبیعی و کالاها، مانند خط لوله گاز آسیای مرکزی از ترکمنستان به چین، خط لوله نفت آتیرائو - آلاشانکو از قزاقستان به چین، سرمایه‌گذاری قابل توجه در حمل و نقل انرژی و ارتباطات در ازبکستان، ساخت جاده‌ها و تونل‌های جدید در تاجیکستان و گسترش ارتباطات جاده‌ای بین قرقیزستان و چین که همگی در پیوند با کمک خارجی این کشور هستند، سرفصل‌های بسیاری را ایجاد کرده است (Mariani, 2013: 1).

انگیزه‌های اقتصادی عمدتاً به علاقه چین به دستیابی به بازارهای صادراتی جدید، توسعه حمل و نقل بین‌قاره‌ای و تضمین عرضه منابع طبیعی مربوط می‌شود. چین انحصار روسیه بر ترانزیت منابع طبیعی از جمهوری‌های آسیای مرکزی را مختل کرده و به بزرگ‌ترین شریک

تجاری سه کشور ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان تبدیل شده است. این کشور همچنین بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در قرقیزستان و تاجیکستان به شمار می‌رود. این منطقه در حوزه‌های مختلف اقتصادی که در ذیل به آنها اشاره می‌شود مورد توجه چین قرار دارد:

منبع مهمی از منابع انرژی مورد نیاز برای پاسخگویی به نیازهای رشد سریع اقتصاد چین است؛ بازار گسترده برای عرضه کالاهای چینی است؛ یک مسیر جایگزین برای دسترسی به کریدورهای حمل‌ونقل بین‌المللی به لطف پتانسیل زیرساختی آن؛ منطقه آسیای مرکزی می‌تواند به یک مرکز حمل‌ونقل برای اوراسیا تبدیل شود و؛ منطقه‌ای که از نظر استراتژیک نقش مهمی هم در تضمین امنیت ملی چین و هم در شکل‌گیری آن به‌عنوان یک قدرت بزرگ جهانی ایفا می‌کند (Dadabayev, 2018).

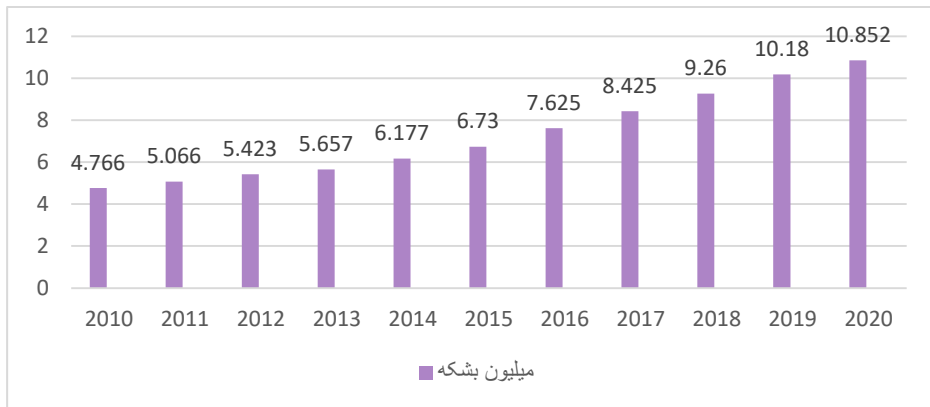
قزاقستان مهم‌ترین شریک چین در آسیای مرکزی محسوب می‌شود و پکن در سال ۲۰۱۹ روابط دیپلماتیک خود را با این کشور به سطح «شریک راهبردی جامع دائمی» ارتقا داد. قرقیزستان به دلیل وام‌های دریافتی از چین، بیشتر از قزاقستان و کشورهای دیگر به چین وابسته است و روابط دو طرف از ژوئن ۲۰۱۸ به سطح «شریک راهبردی جامع» ارتقا یافته است. تاجیکستان، در مقایسه با قرقیزستان، روابط اقتصادی عمیق‌تر و متنوع‌تری با چین دارد. رد پای اقتصادی چین در ازبکستان در حال حاضر بسیار متنوع و به‌ویژه در زمینه پتروشیمی و همکاری‌های صنعتی است. نخست‌وزیر ازبکستان در سال ۲۰۱۹ از چین به‌عنوان «نزدیک‌ترین و قابل‌اعتمادترین شریک ازبکستان» یاد کرد (کاو و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۶).

هم‌زمان، چین به منبع اصلی تأمین مالی توسعه منطقه و بزرگ‌ترین منبع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، عمدتاً از طریق شرکت‌های دولتی چین تبدیل شد. بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷، بیش از ۲۵ درصد از کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در قرقیزستان و تاجیکستان از چین بود، درحالی‌که طبق برآوردهای مختلف، قزاقستان با ۱۶ تا ۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری، بزرگترین دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری چین در آسیای مرکزی بوده است (Toktomushev, 2021:3).

آرزوی چین این است که نقشی پیشرو در توسعه و حمایت از صنایع انرژی در آسیای مرکزی ایفا کند تا نیازهای روبه‌رشد انرژی خود را برآورده کند. تقاضای انرژی اولیه چین در سال ۲۰۱۸ به میزان ۴.۳ درصد افزایش یافت که بالاترین میزان از سال ۲۰۱۲ است. چین بزرگترین مصرف‌کننده انرژی در جهان است و در سال ۲۰۱۸ وابستگی وارداتی آن به ۷۲

درصد در نفت و ۴۳ درصد در گاز افزایش یافت. (BP, 2019) از این رو، نگرانی‌ها در مورد امنیت انرژی وارداتی در حال افزایش است و چین با سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی به دنبال دسترسی ایمن به منابع انرژی است (Melnikova, 2020: 245).

نمودار ۱. روند افزایش واردات نفت چین (میلیون بشکه)



Source: CEIC Data, 2020

چین نقشه انرژی منطقه را تغییر داده و همکاری در بخش انرژی، عمدتاً در رابطه با قزاقستان و ترکمنستان، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. چین دو خط لوله بزرگ ایجاد نموده است: یک خط لوله نفت از قزاقستان و یک خط لوله گاز از ترکمنستان. خط لوله گاز به وابستگی ترکمنستان به فروش گاز به روسیه پایان داد. خط لوله گاز آسیای مرکزی - چین که در سال ۲۰۰۹ شروع به کار کرد، به اصلی‌ترین اتصال انرژی بین چین و ترکمنستان تبدیل شده است و اولین نمونه عمده همکاری انرژی در آسیای مرکزی است. قزاقستان هم نه تنها یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان نفت چین است، بلکه شریک اصلی ترانزیت گاز طبیعی ترکمنستان است. خط لوله نفت قزاقستان - چین اولین خط لوله مستقیم واردات نفت چین از آسیای مرکزی بود (Melnikova, 2020: 245).

ترکمنستان قبلاً از نظر صادرات گاز به روسیه وابسته بود، اما اکنون هم برای صادرات گاز و هم برای تعهدات اعتباری به چین وابسته است. چین بزرگ‌ترین طلبکار ترکمنستان است و این بدهی احتمالاً به صورت گاز بازپرداخت می‌شود که در واقع چین در مواردی مانند آنگولا و ونزوئلا عدم بازپرداخت کمک را با دریافت منابع از کشور بدهکار جایگزین می‌کند (Chazan, 2018).

هنگام بررسی مسائل کلیدی در روابط چین و آسیای مرکزی، ابتکار کمربند و راه را نمی‌توان نادیده گرفت. در پاییز ۲۰۱۳، شب جی پینگ پیشنهاد کرد که چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی باید برای توسعه نسخه مدرن جاده ابریشم باستانی و گسترش ارتباطات اقتصادی متقابل برای حمایت از همکاری‌های منطقه‌ای با یکدیگر همکاری کنند. وی همچنین اجرای پروژه‌های زیرساختی در مقیاس بزرگ را به این کشورها پیشنهاد کرد (Wilson, 2016).

در سال ۲۰۱۳، رئیس‌جمهور چین در بازدید از آسیای مرکزی اعلام کرد که راه اندازی کمربند اقتصادی جاده ابریشم دارای پنج پیامد متفاوت است: برای دولت چین، این ابتکار نخست بخشی از سیاست خارجی تحقق استراتژی رویای چینی اعلام شده توسط رئیس‌جمهور چین است. دوم، این نشان دهنده پل بین تولیدکنندگان چینی و بازارهای بین‌المللی از طریق دو مجموعه جاده (قاره‌ای و دریایی) است. سوم، تلاشی است برای ایجاد یک منطقه با ثبات، مرفه و در نتیجه امن از طریق احیای حضور چین در مناطق مجاور. چهارم، این یک استراتژی برای ایجاد توسعه استان‌های مختلف در چین با افزایش تقاضا برای محصولات آنها است. و در نهایت، این امر به افزایش وابستگی متقابل بین چین و سایر کشورها از طریق این ابتکار و در نتیجه تقویت روابط متقابل آنهاست (Dadabeav, 2018:5).

جدول ۱. سرمایه‌گذاری چین در قالب ابتکار کمربند و راه در آسیای مرکزی (میلیون دلار)

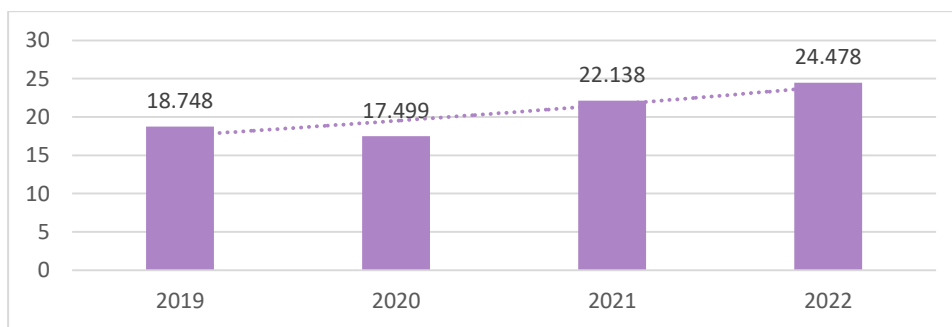
کشور	حمل و نقل	اتصالات انرژی	صنعت	هیدروکربن	انرژی
ازبکستان	۱۲۶	۲۰۵	۹۲۳	۲۲۰۹	۲۸
تاجیکستان	۴۵۱۵	۴۵۱۶	۶۷۹	۴۱۶	۳۴۲
ترکمنستان	۱۰۴۲	۹۴۱۰	-	۱۴۰۳	-
قرقیزستان	۱۷۷۳	۲۷۱۳	۱۵۰	۶۷۶	۳۱
قزاقستان	۱۴۵۳۹	۱۸۸۴۹	۱۰۵۴۵	۳۷۷۷۸	۱۰۴۹

Source: Wani, 2020

این ابتکار، علاوه بر تسهیل دستیابی به منابع، زیرساخت‌های حمل‌ونقل جدید تجارت با چین را افزایش می‌دهد و محصولات چینی بیشتری را به بازارهای آسیای مرکزی صادر می‌کند. مانند آفریقا، کالاهای ارزان از چین منافع رفاهی را برای مصرف‌کنندگان آسیای

مرکزی که قدرت خرید بسیار کمتری نسبت به مصرف‌کنندگان غربی دارند به همراه دارد و به آنها کمک می‌کند تا استاندارد معینی از زندگی را حفظ کنند (Kassenova, 2009: 22).

نمودار ۲. میزان صادرات چین به کشورهای آسیای مرکزی (میلیارد دلار)



Source: Wani, 2020

جدول ۲. تعداد پروژه‌های دو و چندجانبه چین در حوزه‌های مختلف در آسیای مرکزی

کشور	مجموع پروژه‌ها		راه و زیرساخت		انرژی		تجارت و سرمایه گذاری صنعتی	
	دوجانبه	چندجانبه	دوجانبه	چندجانبه	دوجانبه	چندجانبه	دوجانبه	چندجانبه
قزاقستان	۱۰۰	۲	۱۳	۱	۲۰	۰	۶۰	۱
قرقیزستان	۴۱	۵	۸	۳	۵	۰	۱۶	۱
تاجیکستان	۳۵	۹	۸	۸	۶	۱	۱۷	۰
ازبکستان	۳۸	۵	۲	۳	۰	۱	۱۶	۱
ترکمنستان	۲۳	۳	۲	۳	۴	۰	۱۲	۰
مجموع	۲۷۳	۲۴	۳۳	۱۸	۴۶	۲	۱۲۷	۳

Source: Wani, 2020

فعالیت‌های کمک‌های خارجی چین در آسیای مرکزی به‌شدت با اهداف بلندمدت دیپلماتیک و استراتژیک مرتبط است. این منطقه برای ثبات منطقه‌ای چین اهمیت حیاتی دارد که به‌وضوح انگیزه اصلی ارائه کمک است. در این منطقه پروژه‌های زیربنایی و راه‌های ارتباطی رایج‌ترین شکل کمک هستند که از طریق ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های چینی، بازار مصرف برای کالاهای چینی و ایجاد اشتغال برای جمعیت بیکاران و

ناراضی آین (به‌عنوان منبع آشوب آتماعی) در داخل و آارج از آین به اهداف آقتصادی آین آدمت می‌نماید. بااین‌آال، سرمایه‌آذاری، آین می‌آواهد آصویری از آاشتن درآ و همدردی ویژه برای مشکلات مشترآ فقر به دلیل سابقه آود به‌عنوان یک آشور درآال توسعه و دریافت‌کننده کرمک را نشان دهد (Lancaster, 2007: 5).

منافع امنیتی. همان‌آور که در بالا ذکر شد، علاقه آین به آسیای مرکزی صرفاً آقتصادی نیست، بلکه مبتنی بر امنیت هم هست و این امنیت هم در حوزه قومی و هم آقتصادی برای آین دارای اهمیت است. اگرچه اکثریت قریب به‌اتآاق جمعیت آین از قوم هان هستند، گروه‌های قومی دیگری نیز در آین وجود دارند. از نظر درصد، ارقام ممکن است کم به نظر برسند، اما به‌صورت مطلق، آعداد آنها به ده‌ها یا صدها میلیون می‌رسد؛ بنابراین برای آین بسیار مهم است که مناطق غربی آندقومی آود را توسعه دهد که از مناطق توسعه‌یافته شرقی عقب‌تر هستند (Melnikovova, 2020: 240). سرزمین‌های غربی، به‌ویژه منطقه خودمآآار اویغور سین کیانگ، مرز طولانی با کشورهای آسیای مرکزی دارند. آفظ آبات در این مناطق ضروری است؛ زیرا تمام آطوط لوله آاز و نفت آسیای مرکزی از این منطقه می‌آذرد و اگر بی‌آبات شود، آسیب آدی به آقتصاد آین وارد می‌کند. نگرانی‌های امنیتی نه‌آنها به جمعیت اویغور، بلکه به‌آور کلی به امنیت مرزهای غربی آین مربوط می‌شود (Volkov, 2019).

آین آواهان توسعه و آبات منطقه است؛ زیرا توسعه‌نیافتگی، بی‌آباتی و درآگیری‌های آآتمالی ممکن است به مناطق داخلی آین سرایت کند و آلاش‌های این آشور برای توسعه و پیوند قوی‌تر سین کیانگ با بقیه آین و همچنین جریان آجاری آین با منطقه را آضعیف کند. این آشور همچنین از همسایگان آسیای مرکزی آود که بیشترین جمعیت اویغور را در بین کشورهای دیگر به آز آین دارند، می‌آواهد که در مبارزه با آدایی‌آلبسی اویغورها مشارکت فعال‌تری داشته باشند (Mariani, 2013: 7).

بنابراین، مهم‌ترین هدف آین از اعطای کرمک به کشورهای آسیای مرکزی در راستای مهار آهدید در این منطقه است. هدف امنیتی آسترده آین در منطقه آسیای مرکزی ایجاد رژیم‌های باآبات و دوستانه است که از آین در استراتژی مبارزه با افراط‌آرایی و رادیکالیسم آمایت کنند و همچنین مانع از دست‌یابی آدایی‌آلبان در آسیای مرکزی و سین کیانگ و همچنین امنیت آجارت در داخل و آارج از منطقه شوند. آین امروز همه کشورهای منطقه را در آفتگوهای امنیتی مشارکت داده و همکاری امنیتی را هم از طریق سازمان همکاری

شانگهای و مهم‌تر از آن همکاری دوجانبه افزایش داده است. در حالی که تمرکز سنتی چین در زمینه امنیتی، ریشه‌کن کردن به اصطلاح سه نیروی شیطانی بوده است، اما به جای مبارزه با تک تک گروه‌ها، بیشتر به ایجاد ثبات در منطقه همسایه از طریق کمک اقدام نموده است. از منظر چین، این اقدامات می‌تواند حمایت از گروه‌های رادیکال را به حداقل برساند و این امر تنش‌ها را در سین کیانگ به طور غیرمستقیم کاهش دهد. این استراتژی یک جزء ژئوپلیتیکی نیز دارد: بدین معنا که با تعامل با کشورهای آسیای مرکزی، آنها بیشتر به کمک و همکاری چین وابسته می‌شوند که در درازمدت نفوذ چین را افزایش می‌دهد (Swanstorm, 2015: 7).

سازمان همکاری شانگهای، به چین کمک می‌کند تا روابط سیاسی خود را با کشورهای آسیای مرکزی تقویت کند و همسایگی در سین کیانگ را تثبیت کند و گفتمان جمعی را در مورد تهدیدات امنیتی غیرسنتی مشترکی که با آن مواجه هستند، از جمله تروریسم، جنایات فراملی و بلایای طبیعی ایجاد کند. در اولین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱، کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای کنوانسیون شانگهای در مورد مبارزه با تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی را امضا کردند که مبارزه با سه نیروی شیطانی را وظیفه اصلی سازمان معرفی می‌کند (Mariani, 2013: 14).

یانگ یانی، معاون مدیرکل بخش آسیایی وزارت امور خارجه چین، در یک سمینار آکادمیک در پکن در سال ۲۰۰۸ گفت: «هدف از سیاست همکاری منطقه‌ای چین، تسهیل توسعه چین و ارتقای صلح منطقه‌ای و توسعه مشترک است. چین خواهان حفظ یک محیط با ثبات صلح آمیز به ویژه در پیرامون خود است». کمک چین به مناطق پیرامونی خود عمدتاً ناشی از نگرانی‌های سیاسی در رابطه با ثبات منطقه‌ای و امنیت داخلی و همچنین سطح نفوذ سیاسی در منطقه است نگرانی سیاستگذاران چینی این است که کاهش نفوذ در آسیای مرکزی اقتصاد، امنیت و ثبات چین را تهدید کند. برای چین، کمک‌های خارجی به ویژه کمک‌های نظامی و تسلیحاتی در اینجا به عنوان ابزاری برای حفظ نفوذ، اعتماد و حمایت بیشتر در منطقه عمل می‌کند (Sheives, 2006: 205).

انگیزه چین از ارائه کمک به قزاقستان نمونه مناسبی در تأیید این ادعاست. برخی از محققان، مانند پیروس، استدلال می‌کنند که چین با توافق‌نامه‌های امضا شده در زمینه تأمین تجهیزات نظامی و فنی نظامی چین به ارزش یک میلیون دلار، تلاش می‌کند تا حمایت قزاقستان را علیه جدایی‌طلبی اویغور و افراط‌گرایی مذهبی کسب کند. در تمام

آسیای مرکزی، ثبات قزاقستان برای چین از اهمیت بالایی برخوردار است. از زمان تأسیس کشورهای جدید آسیای مرکزی در اوایل دهه ۱۹۹۰، روابط بین این دو قوی بوده و آستانه دریافت‌کننده کمک‌های فنی، تجهیزات ارتباطی و حمل و نقل از چین بوده است. علاوه بر این، چین آموزش نظامی حرفه‌ای را برای اعضای ارتش قزاقستان در مؤسسات چینی ارائه می‌دهد. چین همچنین به ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان کمک‌های نظامی ارائه می‌کند. کمک‌های بلاعوض به کشورهای آسیای مرکزی نشان‌دهنده افزایش فعالیت‌های دیپلماسی نظامی چین از اوایل دهه ۲۰۰۰ است (Peyrouse, 2010: 12).

در سال‌های اخیر یکی از بحران‌ها در آسیای مرکزی پس از شکست دولت اسلامی یا همان داعش در سوریه است؛ چراکه بر اساس آمار گروه بحران بین ۲۰۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر از آسیای مرکزی به داعش در سوریه ملحق گردیده بودند که با شکست آن بازگشت آنها به این کشورها مشکلات بسیاری را به لحاظ امنیتی به همراه خواهد داشت و حتی ممکن آسیای مرکزی را به عنوان منطقه جدیدی برای ایجاد دولت اسلامی خود هم در نظر داشته باشند. علاوه بر این، غیرممکن نیست که داعش به سمت آسیای مرکزی حرکت کند و به دنبال مناطق جدید استقرار باشد و اگر این امر محقق شود شرایط ناپایدار امنیتی به ویژه برای چین که در همسایگی این منطقه قرار دارد تشدید و تبعات اقتصادی (حمله به بندر گوادور) و سیاسی (ربوده شدن اتباع چینی) برای این کشور را در پی دارد (Bolonina, 2019: 14).

پکن در متقاعد کردن رهبران آسیای مرکزی برای حمایت، حتی اگر به طور ضمنی، از کمپین چین علیه تجدید حیات اویغورها، کاملاً موفق بوده است و حتی اردوگاه‌های آموزش مجدد در سین کیانگ نیز از این قاعده مستثنی نیستند. تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در میان پنجاه امضاکننده نامه‌ای به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در حمایت از سیاست‌های چین در سین کیانگ بودند. امضاکنندگان این نامه دستاوردهای حقوق بشر چین را ستودند و از جامعه جهانی خواستند از سیاسی کردن اوضاع در سین کیانگ خودداری کنند. دولت‌های قرقیزستان و قزاقستان از امضای این نامه خودداری کردند، اما با وجود این ادعا که قرقیزها و قزاق‌های قومی نیز در اردوگاه‌های آموزش مجدد سین کیانگ ناپدید می‌شوند، علیه سیاست چین در این زمینه صحبتی نکردند (Toktomushev, 2021:6).

فراتر از سوگیری مثبت نخبگان سیاسی منطقه نسبت به سیاست‌های امنیتی چین، نکته در خور توجه این است که در افکار عمومی و حرکت‌های مردمی در منطقه نیز، اقدام مؤثری در مخالفت با سیاست‌های چین در برخورد با اویغورها مشاهده نشده است. چنین

بی تفاوتی را می توان تا حدی با تلاش دولت های آسیای مرکزی برای خاموش کردن احساسات ضد چینی توضیح داد. در یکی از جدیدترین موارد، سانسورهای دولتی در قرقیزستان حتی نمایش یک فیلم محلی را در سینماها ممنوع کردند که کارآفرینان چینی را به عنوان سرمایه گذاران فاسد و حریص نشان می داد (Toktomushev, 2021:6).

اهداف سیاسی. برای دولت چین، ارائه کمک و ایجاد زیرساخت ها در آسیای مرکزی صرفاً یک امر خیریه نیست، بلکه بخشی از درک این موضوع است که کمک ها و اتصال و توسعه زیرساخت می تواند در ساخت هویت بین المللی جدید برای چین نقش مهمی را ایفا نماید، یعنی زمینه ای را ایجاد می کند که در آن رویکردهای چینی به توسعه و ارزش های چینی (حکومت و روابط بین دولتی) پذیرفته شده و به اشتراک گذاشته می شود. برای نمونه ابتکار کمربند و راه به پیشبرد گفتمانی راحت و مبتنی بر تاریخی کمک می کند که به راحتی برای کشورهای آسیای مرکزی قابل درک و پذیرفتن است، چرا که چین منطقه آسیای مرکزی را محور موفقیت کل پروژه نشان می دهد (Dadabeav, 2018:4).

چین با ارائه کمک، سخاوت و خیرخواهی را نسبت به دریافت کنندگان نشان می دهد، رویکردی که به سادگی به خودانگاره چین از عظمت این کشور می افزاید، عظمتی که در گذشته هم تحت عنوان نظام خراج برای چین و همسایگان آن وجود داشت و چین به عنوان یک قدرت برتر خیر را با ارائه کمک برای همسایگان نیازمند خود (در اینجا آسیای مرکزی) به ارمغان می آورد و کشور نیازمند، با دریافت کمک، نظم اجتماعی و تفاوت موقعیت را در مقایسه با کشور کمک دهنده در اینجا چین به عنوان قدرت برتر می پذیرد که در واقع بازتابی از اصل تیان شیا^۱ چین است. تیان شیا از ساختن جهانی هماهنگ بر اساس اندیشه های کنفوسیوس نام می برد. این جهان، جهانی از پیش داده شده یا پسینی نیست بلکه جهانی است که بر اساس روابط شکل گرفته است. در این جهان چین به عنوان قدرت برتر قرار دارد و کمک را به عنوان ابزار این ارتباط و دستیابی به جهان هماهنگ با برتری چین که مبتنی بر اخلاق و اصول چینی است، پی می گیرد (Zhao, 2009: 9).

در واقع نظام تیان شیا مجموعه ای را در نظر دارد که کوچک ترها در زیر مجموعه کشور بزرگ تر یعنی چین قرار دارند و چین خود را بر این اساس یک کشور بزرگ می داند که در مرکزیت این نظام قرار دارد و فضیلت و خیر را برای آنها ایجاد می کند. این امر را به وضوح در مورد کمک های چین که بدون ارائه پیش شرط سیاسی به کشورهای آسیای مرکزی اعطا می گردد و از آن به عنوان رابطه دوست با دوست برای ایجاد هماهنگی یاد می شود، می توان دید.

^۱. Tianxia

از نگاه چین، نظام بین‌الملل آینده که در حال گذار به آن هستیم چندقطبی خواهد بود و چین می‌بایست به جایگاهی برسد که یکی از قطب‌های اصلی قدرت باشد. بر همین مبنا پکن به دنبال تقویت نقش و توان بازیگری خود در مناطق مختلف جهان است که بتواند خود را به‌عنوان یک قدرت برتر معرفی نماید. آسیای مرکزی هم یکی از این مناطقی است که با توجه به قربت جغرافیایی آن به چین در راستای این هدف مورد توجه ویژه‌تر قرار گرفته است. بر همین مبنا پکن کمک و کمک‌های توسعه‌ای خود را در قالب‌های مختلف دو و چندجانبه به این منطقه برای دستیابی به توسعه ارائه می‌نماید و برای چین بسیار مهم است که این امر بتواند چین را در نگاه کشورهای این منطقه به‌عنوان یک قدرت مسئولیت‌پذیر معرفی کند و اعتماد سیاسی این کشورها را در خصوص برآمدن قدرت چین کسب نماید (Mariani, 2013:9).

از منظر مقام‌های چینی، کشورهای آسیای مرکزی نمی‌توانند کمک چین را متقابلاً پاسخ دهند؛ اما آنها با تأیید اصل چین واحد و تعهد به مبارزه با جدایی‌طلبی قومی، افراط‌گرایی مذهبی و تروریسم و همچنین داشتن نگاه مثبت به چین به‌عنوان یک کشور مسئولیت‌پذیر تا حدی می‌توانند این کمک‌ها را جبران کنند و به تحقق اهداف سیاسی چین کمک نمایند. برای نمونه قرقیزستان در ازای عدم برقراری روابط رسمی با تایوان و عدم حمایت از اوغورها و سایر اقلیت‌های مسلمان در سین کیانگ، تضمین امنیت خود و قول همکاری در همه زمینه‌ها: امنیت، اقتصاد، علم و فناوری، فرهنگ، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی، اطلاعات، گردشگری، ورزش و غیره را دریافت کرده است (Akayev, 2001).

از سوی دیگر یک جنبه از ارائه کمک از سوی چین می‌تواند به رقابت این کشور با سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه آمریکا برای کسب برتری و نفوذ در این منطقه مرتبط باشد. تلاش آمریکا برای ورود به منطقه بعد از فروپاشی شوروی و تلاش چین برای جلوگیری از این موضوع به یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های کمک چین به کشورهای آسیای مرکزی تبدیل شده است. بسیاری بر این باورند که حتی ماهیت ذاتی و اصلی ایجاد سازمان همکاری شانگهای با حضور کشورهای آسیای مرکزی جدای از مسائل امنیتی تلاشی برای ایجاد محدودیت در برابر تلاش آمریکا در این منطقه از سوی چین و روسیه است و چین با ایجاد پیوند از طریق کمک به‌ویژه کمک‌های نظامی و اقتصادی سعی در محکم کردن این رابطه و جلوگیری از تمایل این کشورها به سمت آمریکا را دارد. نمودی از تلاش‌های آمریکا در این منطقه که به‌شدت نگرانی‌هایی برای چین ایجاد کرد انقلاب‌های رنگی بود که در این

منطقه صورت پذیرفت و پایه حکومت‌های فردی و دیکتاتوری که مدل مورد علاقه چین برای ایجاد ثبات در پیرامون خود به جهت جلوگیری از افراط‌گرایی و ایجاد امنیت اقتصادی برای چین است را لرزاند. این امر به‌شدت چین را نگران کرد و تلاش خود را برای حمایت از نخبگان حاکم در این منطقه افزایش داد چرا که هدف این انقلاب‌ها را کاهش امنیت چین و گسترش ایده دموکراسی که به‌شدت برای سیستم کمونیست چین خطرناک است، تلقی کرد (کرمی و عزیزی، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

حفظ ثبات داخلی و تمامیت ارضی کشور برای مقام‌های پکن نیز می‌تواند یکی از مهم‌ترین اهداف سیاسی باشد که چین با ارائه کمک به این منطقه پی می‌گیرد. با توجه به آنچه که در بخش مربوط به اهداف امنیتی چین اشاره شد تمایل به استقلال‌طلبی در میان قوم اویغور برای چین بسیار نگران‌کننده است و این امر می‌تواند علاوه بر این که ثبات داخلی چین را به چالش بکشد، سایر اقوام را هم با اویغورها همراه نماید. این وضع، تمامیت ارضی این کشور را هم با چالش جدی مواجه خواهد ساخت. بر همین مبنا چین با ارائه کمک به‌ویژه در قالب ابتکار کمربند و راه و ایجاد زیرساخت‌ها در این منطقه و تلاش برای ایجاد وابستگی و افزایش نفوذ در این کشورها سعی در همراه نمودن آنها با خود در خصوص مبارزه با جدایی‌طلبی و حفظ تمامیت ارضی خود را دارد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی بحث و تحلیل درباره تحولات منطقه‌ای مانند آسیای مرکزی به سبب وجود نظام‌های سیاسی نسبتاً بسته‌ای که دهه‌ها زیر سیطره قدرت‌های بزرگ قرار داشته‌اند، کار ساده‌ای نیست. مشکل احتمالاً زمانی بیشتر می‌شود که داده‌ها حاکی از افزایش بازیگری قدرتی مثل چین در منطقه باشد؛ کشوری که به ابهام در رویکرد سیاست خارجی‌اش در حالت کلی و ابهام بیشتر در کمک خارجی خود به‌صورت خاص‌تر، شهره است. از این‌رو تلاش برای درک منسجم نوع نگاه و سیاست‌ها و برنامه‌های کمک چین در آسیای مرکزی با چالش‌های خاص خود همراه است. با این حال به نظر می‌رسد برقراری پیوند میان برنامه کمک خارجی چین و سیاست‌های این کشور در منطقه، به درک ما از گستره و سمت‌وسوی تحولات تا اندازه زیادی کمک می‌کند. از این‌رو مقاله حاضر تلاش کرد قرائتی واقع‌گرایانه از برنامه کمک خارجی اهداکنندگان کمک ارائه کند و از این چارچوب تحلیلی برای ترسیم خطوط نگاه و عملکرد مقام‌های پکن در آسیای مرکزی بهره بگیرد.

ماهیت خاص برنامه کمک خارجی چین که عملاً مرز میان کمک، تجارت و سرمایه‌گذاری را مبهم می‌کند، به ما امکان می‌دهد که بسیاری از سیاست‌ها و ابتکارهای سیاست خارجی این کشور در آسیای مرکزی را در قالب واحد کمک خارجی قرار دهیم و از این منظر ابعاد و چهره‌های متفاوت سیاست خارجی و شیوه‌های پیگیری منافع ملی این کشور در منطقه را کاوش کنیم. برقراری پیوند میان کمک خارجی و اهداف اقتصادی، امنیتی و سیاسی چین در منطقه در چارچوب مدل ارائه شده و بر مبنای منافع کمک‌کننده کاملاً مشخص است و چین در این خصوص کمک‌های خود را با اهداف امنیتی مرتبط با جدایی‌طلبی و امنیت اقتصادی که دغدغه بسیار مهمی برای چین است از طریق ارائه کمک و حمایت از حکومت‌های فردی به‌عنوان مدل مورد علاقه چین جهت ایجاد ثبات در منطقه در راستای رفع این نگرانی ارائه می‌نماید.

علاوه بر این چین تأمین اهداف اقتصادی خود را از طریق کمک با ارائه کمک‌ها در ایجاد زیرساخت‌ها، راه‌های ارتباطی و حضور در امور مرتبط با انرژی به منطقه ارسال می‌نماید که از این طریق بتواند منابع انرژی لازم برای تداوم رشد اقتصادی، بازار مصرف برای کالاهای چینی، ایجاد اشتغال در داخل و خارج چین، ایجاد زنجیره تأمین و پیوستگی اقتصادی را برای خود فراهم نماید. در حوزه منافع سیاسی نیز ترجیح منافع چین بر نیاز گیرندگان کمک در آسیای مرکزی مشهود است و چین با ارائه کمک به این کشورها درصدد ایجاد نگاه مثبت نسبت به چین به‌عنوان یک قدرت در حال ظهور در جهان در حال گذار است که بتواند خود را به‌عنوان یک دولت مسئولیت‌پذیر در جهان چندقطبی آینده نشان دهد. همچنین چین با ارائه کمک به این کشورها درصدد کسب همراهی این کشورها در امور مرتبط با نظام بین‌الملل به‌ویژه سازمان‌های بین‌المللی که این کشورها در آن عضویت دارند است.

در مجموع آنچه که کمک‌های چین به این منطقه نشان می‌دهد اولویت داشتن منافع امنیتی، اقتصادی و سیاسی خود چین است تا اینکه هدف برطرف نمودن نیاز گیرندگان کمک منطقه از چین باشد.

منابع و مآخذ

فارسی

- کاوه، علی و همکاران (۱۴۰۰) «بتکار راه ابریشم و هژمونی چین در آسیای مرکزی»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۱ (۱۴)، صص ۷۵-۹۸.
- کریمی، جهانگیر و حمیدرضا عزیزی (۱۳۹۲) «روابط امنیتی چین با آسیای مرکزی: از پیوند امنیتی تا مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، ۶ (۱۲)، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- میرترابی، سعید و مهتاب ساری اصلانی (۱۳۹۹) «تحولات اقتصاد سیاسی چین و افزایش سریع کمک‌های خارجی آن به آفریقا»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، ۹ (۳۵)، صص ۲۸۱-۲۵۱.
- میرترابی، سعید (۱۳۹۹) «چالش چین در برابر ایالات متحده؛ رقابت بر سر جایگاه و الگوی ارائه کمک خارجی»، **فصلنامه روابط خارجی**، ۱۲ (۲)، صص ۲۱۶-۱۸۸.
- میرترابی، سعید، ارسلان قربانی، علی منوری و امید خزایی (۱۴۰۲) «نقش کمک خارجی چین در خیزش قدرت اقتصادی این کشور در سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۲۱»، **مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل**، ۶ (۱)، صص ۳۱۹-۲۸۹.

لاتین

- Aid Data's (2021) **Global Chinese Development Finance Dataset**, Available at: <https://www.aiddatas.org/data/aiddatas-global-chinese-development-finance-dataset-version-2-0>
- Akayev, A. (2001) **Memorable Decade** (Bishkek: Uchkun).
- Bossuyt, F. (2019). The EU's and China's development assistance towards Central Asia: low versus contested impact. **Eurasian Geography and Economics**.
- Bolonina, A. (2019) "Security Dimension of China's Presence in Central Asia", **Asia Focus**. No. 108, pp 1-20.
- BP Statistical Review (2019), **China's energy market in 2018**. Available at: <https://www.bp.com/content/dam/bp/business-sites/en/global/corporate/pdfs/energy-economics/statistical-review/bp-stats-review-2019-china-insights.pdf>.
- Chazan, Y. (2018). Angola's debt reliance on China may leave it short-changed. **Financial Times**.from, Available at: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2018-08-31/crisis-turkmenistan-a-test-chinas-policyregion-0>
- CEIC Data (2020), **China Crude Oil: Imports**, (observed at: 2020/11/1). Available at: <https://www.ceicdata.com/en/indicator/china/crude-oil-imports>.
- Dadabayev, T (2018) "The Chinese Economic Pivot in Central Asia and Its Implications for the Post Karimov Re-emergence of Uzbekistan". **Asian Survey**, 58(4), pp747-769.
- Jaborov, S (2018), Chinese loans in Central Asia: Development assistance or "predatory lending"? In M. Laruene (Ed.), **China's Belt and Road Initiative and its Impact in Central Asia**, Washington, D.C.: The George Washington University, Central Asia Program.

- Jinping, Xi (2013). "Promote Friendship between Our People and Work Together to Build a Brighter Future," **speech, Nazarbayev University**, September 7. Available at: <https://web.archive.org/web/20220611210003/>
- Jinping, Xi (2022). "Joining Hands for a Shared Future," **speech, Virtual Summit to Commemorate the 30th Anniversary of Diplomatic Relations between China and Central Asian Countries**, January 25. Available at: https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/zxxx_662805/202201/t20220125_10633542.html.
- Kilby, P. (2018) "China and United State as aid Donors. East-West Center", **Policy Studies**,(77).
- Lampton, D. M. (2007) "The faces of Chinese power", **Foreign Affairs**. Vol.86(1), pp115-127.
- Lancaster, Carol (2007). **The Chinese aid system**, Washington, DC: Center for Global Development.
- Legieć, A. (2020) "Perspectives on China's Policy towards Central Asia", No. 184 (1614), Sep. 8, Available at: https://pism.pl/publications/Perspectives_on_Chinas_Policy_towards_Central_Asiahttps://pism.pl/publications/Perspectives_on_Chinas_Policy_towards_Central_Asia.
- Liska, G. (1960), **The New Statecraft: Foreign aid in American Foreign Policy**, University of Chicago Press, Chicago.
- Malacalza, B (2019) "The politics of aid from the perspective of international relations theories", **Aid Power and Politics**, pp11-33. DOI:10.4324/9780429440236
- Mariani, B. (2013), **China's role and interests in Central Asia**, Saferworld.
- Melnikovová, L (2020) "China's interests in Central Asian economies", **Human Affairs**, 30(2),pp 239-252.
- Min, Z (2017) "China's Aid Diplomacy to Central Asian Countries and Its Influence", **China's Foreign Aid: 60 Years in Retrospect**, pp 247-279
- Morgenthau, H.J. (1950), **Politics among Nations**. Knopf, New York.
- Morgenthau, H.J. (1962)" A Political Theory of Foreign Aid", **American Political Science Review**,56(2),pp 301-309.
- Peyrouse, S., Boonstra, J., & Laruelle, M. (2012) "Security and development approaches to Central Asia: The EU compared to China and Russia", **EUCAM Working Paper**, 11(1), pp1-23.
- Sheives, K (2006) "China turns West: Beijing's Contemporary Strategy towards Central Asia", **Pacific Affairs**. Vol.79(2),pp 205-224.
- State Council (2021), Information Office. "**China's international development cooperation in the new era. WhitePaper**". Available at: https://english.www.gov.cn/archive/whitepaper/202101/10/content_WS5ffa6bbb_c6d0f72576943922.html
- Toktomushev, K. (2021)." China and Central Asia: Warm Politics, Cold Public". **Central Asia Program**, No. 7 September. Available at: https://centralasiaprogram.org/china-central-asia-warm-politics-cold-public/#_ftn5
- Volkov, V. (2019), Does China have competitors for influence in Tajikistan? **Deutsche Welle**. Retrieved Nov21, Available at: <https://www.dw.com/ru/есть-ли-у-китая-конкуренты-за-влияние-втаджикистане/a-49295322>.
- Wacker, G. (2011) and its "**China Central Asian neighbor**". In China's policies on its borderlands and the international implications, pp 69-92.

- Wani, A (2020). “India and China in Central Asia: Understanding the new rivalry in the heart of Eurasia”, **ORF Occasional Paper**, 235. Available at: https://www.trademap.org/Country_SelProduct_TS.aspx?nvpm=1%7c%7c23%7c%7c%7cTOTAL%7c%7c%7c2%7c1%7c1%7c2%7c2%7c1%7c3%7c1%7c1%7c1
- Wilson, J. L. (2016) “The Eurasian Economic Union and China’s Silk Road: Implications for the Russian–Chinese Relationship”, **European Politics and Society**, 17(S1), pp113-132.
- Wolf, C. , Wang X. & Warner, E. (2013). **China’s Foreign Aid and Government-Sponsored Investment Activities. Scale, Content, Destinations, and Implications**, Washington DC: Rand Corporation.
- Yakobashvili, T. (2013) “A Chinese Marshall Plan for Central Asia?”, **Central Asia-Caucasus Analyst**, 15(20), pp3-6.